

نگاهی به وضعیت اقتصادی سوئد

بررسی مسائل کشورها

در شماره گذشته ماهنامه، اوضاع طبیعی، اجتماعی و مختصری نیز از ویژگیهای عمومی اقتصادی سوئد مورد بررسی قرار گرفت، اینک وضعیت اقتصادی این کشور را بطور اجمال از نظر می گذرانیم.

داخلی در این کشور طی دهه مزبور تنها ۲ درصد بوده که از متوسط نرخ رشد در کشورهای عضو (OECD) (۳/۳ درصد) کمتر پیشرفت داشته است. افزایش شدید قیمت‌های نفت، بالا رفتن هزینه‌های تولید داخلی، رشد آهسته صادرات سنتی سوئد نظیر سنگ‌های معدنی، فولاد، کشتی و محصولات جنگلی از جمله عوامل عمده‌ای بودند که باعث کاهش نرخ رشد تولید ناخالص این کشور در دهه ۱۹۷۰

میزان تولید ملی و تولید سرانه

طی دو دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ که مصادف با سال‌های شکوفایی اقتصادی در اروپا بود متوسط نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سوئد به ترتیب ۳/۴ درصد و ۴/۶ درصد بود. لکن با آغاز دهه ۱۹۷۰، نرخ رشد اقتصادی در این کشور شاهد نوسانات زیادی بوده است، بطوریکه متوسط نرخ رشد تولید ناخالص

1): Swedish Intitute, *The Swedish Economy, Fact Sand Figures 1988* (Lund: 1988), p.8.

گردیدند. افزایش مجدد قیمت‌های نفت در سال ۱۹۷۹، نرخ رشد اقتصادی سوئد را در سال ۱۹۸۰ به ۱/۷ درصد کاهش داد و با تشدید بحران جهانی، این نرخ در سال ۱۹۸۱ به ۰/۳- درصد تنزل یافت. متعاقب کاهش ارزش کرون در طی سالهای ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ و بهبود صادرات، نرخ رشد تولید ناخالص سوئد برای سالهای ۱۹۸۲، ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴ به ترتیب به ۰/۸ درصد، ۲/۴ درصد و ۴ درصد بالغ گردید. در سال ۱۹۸۵ نیز به لحاظ عواملی چون اشباع بازار نفت، سقوط ارزش دلار و افزایش مصرف خصوصی، نرخ رشد اقتصادی سوئد به ۲/۱ درصد کاهش یافت، لکن در سال ۱۹۸۶ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی این کشور— علی‌رغم وضعیت خوب مصرف خصوصی— بعلت رشد ضعیف سرمایه‌گذاری ثابت و کاهش موجودی به ۱/۲ درصد تقلیل یافت. در سالهای ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سوئد با وجود آنکه همچنان کمتر از متوسط نرخ رشد (OECD) بود لکن به ترتیب به ۲/۴ و ۲/۱ درصد افزایش یافت^۱. قابل ذکر است

که میزان تولید ناخالص داخلی سوئد در سال ۱۹۸۸— برحسب قیمت‌های جاری— ۱۰۹۳۷۶۴ میلیون کرون بوده است. کشور سوئد دارای یکی از بالاترین درآمدهای سرانه در بین کشورهای پیشرفته جهان میباشد. تولید ناخالص داخلی سرانه این کشور در سال ۱۹۸۸، حدود ۱۳۰/۰۰۰ کرون بوده که نسبت به سال ۱۹۸۷، از رشدی برابر ۱/۱ درصد برخوردار گردیده است^۲.

طبق محاسبات سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه (OECD) در سال ۱۹۸۵، به ترتیب پنج کشور آمریکا، سوئیس، نروژ، کانادا و سوئد دارای بالاترین تولید ناخالص داخلی سرانه در بین کشورهای پیشرفته صنعتی بودند. در این طبقه‌بندی تولید ناخالص داخلی سرانه آمریکا ۱۶۴۹۴ دلار (برحسب قیمت‌های جاری) و تولید ناخالص داخلی سرانه سوئد ۱۲۰۰۶ دلار محاسبه شده بود.

البته براساس شاخص برابری قدرتهای خرید^۳، طبق محاسبات همین سازمان،

1) EIU , Op.cit, p.9.

۲): البته باید خاطر نشان ساخت که تولید ناخالص سرانه یک کشور تنها نشان دهنده بخشی از موفقیت اقتصادی و اجتماعی یک ملت میباشد و چه بسا نوسانات نرخ ارزش بشدت رتبه بین‌المللی یک کشور را تغییر دهد و از سوی دیگر درآمد سرانه نیز گویای توزیع ثروت در یک جامعه نمی‌باشد. چنانچه روشهای دیگر ارزیابی— نظیر محاسبه قدرت خرید— امکان‌پذیر باشد، یقیناً رتبه یک کشور در جهان از

بابت درآمد سرانه، بنحود دیگری خواهد بود. . The Swedish Economy, Op. cit, p.9.

3): Purchasing Power parities.

میزان تولید ناخالص داخلی سوئد طی سالهای مختلف (میلیون کرون)

۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۸۶	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳	۱۹۸۲	
۱۰۹۳۷۶۴	۱۰۰۵۲۲۶	۹۳۱۷۸۴	۸۶۰۸۸۲	۷۸۹۵۸۳	۷۰۵۳۶۵	۶۲۷۶۷۸	برحسب قیمت‌های جاری
۶۰۶۵۴۷	۵۲۹۲۸۶	۵۸۰۱۴۹	۵۷۳۸۹۸	۵۶۱۸۸۳	۵۴۰۵۳۲	۵۲۷۷۳۳	برحسب قیمت‌های ثابت سال ۱۹۸۰
۲/۱*	۷/۴*	۱/۲	۲/۱	۴	۲/۴	۰/۸	نرخ رشد واقعی (درصد)

* ارقام رشد با میزان تولید ناخالص داخلی مطابقت ندارند.

EIU, Country Profile, Sweden, 1989/90.

مأخذ:

سالهای جنگ جهانی دوم بوده است. در سال ۱۹۴۰ سازمانی بنام «هیئت ملی کنترل قیمت‌ها»^۲ جهت کنترل و تثبیت قیمت‌ها تشکیل و در سال بعد سطح عمومی قیمت‌ها تثبیت گردید.

طی سالهای اولیه پس از جنگ، سوئد دچار کمبود کالا بود و از این رو قوانین و مقررات خاصی در مورد کنترل قیمت‌ها در کشور وضع گردید. تا سال ۱۹۵۶ که عرضه کالاها و خدمات به سطح متعادلی رسید، کنترل قیمت‌ها وجود داشت، لکن پس از آن سال و بسته به نوع کالا، تدریجاً کنترل قیمت‌ها حذف گردید. در سال مزبور هیئت

امریکسا در رتبه دوم و پس از سرور قرار می‌گیرد^۱. در مورد دو کشور سوئیس و سوئد در این محاسبه ارقام موجود نبوده است. قابل ذکر است که تولید ناخالص داخلی سرانه سوئد در سال ۱۹۷۰، ۲۱۲۰۰ کرون بوده (برحسب قیمت‌های جاری) که در سال ۱۹۸۸ به ۱۲۹۳۰۴ کرون بالغ گردیده است.^۲

چگونگی تغییرات شاخص قیمت‌ها

تنظیم و کنترل قیمت‌ها، از ویژگی‌های اصلی سیاست اقتصادی سوئد در طی

1): OECD, Economic Surveys, Sweden 1986/87. p. 79.

2): EIU, OP. cit, p. 10.

3): National Price Control Board.

فوق‌الذکر منحل گردید و سازمانی جدید بنام «اداره ملی قیمت و کارتل»^۱ بنا بر قانون کنترل عمومی قیمت‌ها و بعنوان بازوی اجرایی دولت بوجود آمد. این اداره که هنوز نیز وجود دارد، فقط در شرایط حاد و بحرانی اقدام به تنظیم و کنترل قیمت‌ها می‌نماید.

در سوئد همچون سایر کشورهای اروپایی، طی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ قیمت‌ها به آرامی افزایش یافتند. بطوری که بین سالهای ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۹، افزایش سالانه شاخص قیمت‌های مصرفی بین ۱ تا ۶ درصد بود که تنها در سال ۱۹۶۵ به اوج خود (۶/۵ درصد) رسید.^۲ در سال ۱۹۶۹ و اوائل سال ۱۹۷۰ سطح عمومی قیمت‌ها در سوئد، سریع‌تر از سالهای گذشته افزایش یافت و در اوت سال ۱۹۷۰، در قیمت برخی از مواد غذایی، افزایش چشمگیری صورت گرفت. پس از آن دولت برای اولین بار، قانون عمومی کنترل قیمت‌ها را به مورد اجرا گذارد که به موجب آن قیمت بسیاری از مواد غذایی اساسی تثبیت گردید. متعاقباً در اکتبر همانسال، این

سیاست تثبیت قیمت‌ها، کلیه کالاها را دربرگرفت. البته اجرای این سیاست بتدریج در سال ۱۹۷۱ متوقف شد. طی دهه ۱۹۷۰ نرخ تورم در کلیه کشورهای عضو (OECD) بطور سریعی افزایش یافت و در سوئد نرخ تورم حتی بالاتر از کشورهای مزبور و اندکی کمتر از کشورهای اروپایی عضو (OECD) بوده است.^۳ طی دهه ۱۹۷۰ افزایش قیمت‌ها در سوئد که عمدتاً به لحاظ افزایش بهای نفت بوده است، باعث گردید که صنایع این کشور، قدرت رقابتی خود را در مقابل شرکای عمده اروپایی خود از دست بدهد. دولت سوئد به منظور احیاء قدرت رقابت صنایع این کشور از سال ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۲ پنج بار اقدام به کاهش ارزش پول این کشور نمود، البته این اقدامات اگر چه قدرت رقابتی صنایع سوئد را تقویت کرد، لکن سطح عمومی قیمت‌ها در این کشور حتی طی دهه ۱۹۸۰ نیز، بالاتر از کشورهای اروپایی عضو (OECD) بوده است.^۴ متوسط نرخ تورم در سوئد (قیمت‌های

1): National Price and Cartel Office.

2): Lennart Göranson, *Price Monitoring and Price Controls in Sweden*, (Stockholm: The National Swedish Price and Cartel Office, 1979) p.6.

3): *The Swedish Economy, Facts and Figures 1988* (Lund: Swedish Institute 1988), p. 24.

4): Ministry of Finance, *The 1987 Medium Term Survey of the Swedish Economy* (stockholm: 1987) p.34.

متوسط تغییرات سالانه قیمت‌ها

۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۸۶	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳	
۵/۸	۲/۲	۴/۲	۷/۲	۸	۹	قیمتهای مصرف‌کننده
۵/۸	۳/۳	۲	۵/۵	۸/۹	۱۱	قیمتهای تولیدکننده*
۵/۱	۲۷	/۷	۲/۱	۷/۸	۱۲	قیمتهای صادراتی (فوب)
۳	۲/۳	-۱۰/۲	۳/۱	۵/۵	۱۲/۸	قیمتهای وارداتی (سلف)

* - صنایع

EIU, *Country profile, Sweden, 1989/90* (London: EIU pub., 1989).

مأخذ:

۱۹۸۸ گردید.

سطح دستمزدها



بموجب ارقام رسمی، متوسط هزینه کار یک کارگر صنعتی در سوئد از سال ۱۹۷۰ تا سال ۱۹۸۶، بیش از ۴۰۰ درصد افزایش داشته است^۱.

افزایش نرخ دستمزد که بین سالهای ۱۹۸۱-۸۸، بطور متوسط حدود ۸/۲ درصد بود، در سال ۱۹۸۷ متعاقب کاهش قیمت‌های نفت تنزل کرد، لکن مجدداً در سال ۱۹۸۸ به ۸/۶ درصد بالغ گردید^۲. سوئد در بین کشورهای پیشرفته صنعتی از جمله ممالکی است که هزینه واحد کار و نیز سطح

مصرف‌کننده) طی سالهای ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷، ۴/۲ درصد بوده که نسبت به نرخ سال ۱۹۸۵ (۷/۴ درصد) کاهش چشمگیری را نشان می‌دهد. از دلایل عمده کاهش نرخ تورم در دو سال فوق‌الذکر، سقوط نرخهای بهره و بویژه کاهش چشمگیر قیمت نفت را می‌توان نام برد.

البته لازم به یادآوری است که یکی از عوامل ساختاری در بالا بودن سطح قیمت‌ها (نسبت به دیگر کشورهای اروپایی) بالا بودن سطح دستمزدها در این کشور میباشد که رابطه تنگاتنگی با سطح قیمت‌ها دارد. بطوری که افزایش سطح دستمزدها و به تبع آن بالا رفتن هزینه‌های داخلی، مسبب افزایش نرخ تورم به میزان ۵/۸ درصد در سال

1): The Swedish Economy, op. cit, p. 25.

2): EIU, *Country Profile, Sweden 1989/90*, p. 13.

دستمزدها در آنجا بالاست و این امر تا حد زیادی هم در افزایش نرخ تورم و هم در کاهش رقابت صنایع این کشور موثر بوده است. سطح عمومی دستمزدها در سوئد از طریق مذاکراتی که سالانه (و بعضاً شش ماهه) بین اتحادیه‌های کارگری و نیز اتحادیه‌های کارفرمایی صورت می‌گیرد، تعیین می‌گردد. شاخص‌هایی چون تورم، رشد بهره‌وری مورد انتظار و نیز حفظ قدرت رقابت صنایع سوئد، از جمله عواملی است که در تعیین سطح دستمزدها مورد نظر می‌باشد^۱. قابل ذکر است که با توجه به بالا بودن سطح دستمزدها در سوئد نسبت به شرکای تجاری اروپایی این کشور، و نیز با توجه به اینکه هرگونه تعدیلی در دستمزدها باید با در نظر گرفتن حفظ قدرت رقابت صنایع سوئد و سطح بالای اشتغال باشد، از این رو امکان افزایش دستمزدها در این کشور محدود می‌باشد. اگر چه موافقت اتحادیه‌های کارگری و کارفرمایان، عامل اصلی در تعیین سطح دستمزدهاست، لکن دولت سوئد نیز بنا بر مقتضیات و شرایط اقتصادی، در این امر مداخله می‌نماید، بطوریکه پس از موافقت در افزایش ۱۰ درصد در سطح دستمزدها طی سالهای ۱۹۸۶-۸۷، دولت با تثبیت قیمت‌ها در پایان ژانویه ۱۹۸۷ حق مذاکره مجدد برای افزایش دستمزدها در صورت افزایش

تورم را از کارگران سلب نمود^۲. به‌رحال دستمزدها در سوئد از جمله مسائل پیچیده اقتصادی است که دولت این کشور بیشتر بعنوان یک مسئله تکنیکی اقتصادی و عاملی در جهت افزایش کارایی، رشد بهره‌وری، رقابت پذیرتر ساختن صنایع و حفظ سطح بالای اشتغال بدان می‌نگرد، تا شاخصی بعنوان توزیع عادلانه درآمد و برخوردار ساختن کلیه کارگران از سطح قابل قبولی از استانداردهای رفاهی به عبارت دیگر درآمد قابل تصرف یک کارگر قدرت خرید وی را تشکیل نمی‌دهد، بلکه دولت از طریق پرداخت‌های متعدد انتقالی (تأمین اجتماعی) وی را در سطحی قراردادده که افزایش‌های محدود در دستمزدها تأثیر در سطح زندگی وی نمی‌گذارد و این سطح دستمزدها نیست که نوع زندگی یک کارگر و یا کارمند و الگوی مصرف آنها را مشخص می‌سازد بلکه سیستم تأمین اجتماعی پیشرفته و مزایای متعدد دولتی است که سطح زندگی آنان را پیشاپیش معین نموده است. همانگونه که در صفحات بعد شاهد خواهیم بود، سطح مالیاتها در سوئد بسیار بالاست، بطوری که تعداد قابل ملاحظه‌ای از شاغلان در این کشور بیش از نیمی از درآمد سالیانه خود را بابت مالیات می‌پردازند. البته این میزان در مورد کارگران صنایع کمتر است، به نحوی

1): OECD, *Economic Surveys 1983-84, Sweden*, p. 46.

2): EIU, *op. cit.*, p. 13.

تصاعدی است— بطوریکه تفاوت ۲۰۵۲۰۰ کرونی، بین درآمد ناخالص پایین‌ترین و بالا‌ترین گروه درآمدی (خیاط و پزشک) پس از کسر مالیات به ۶۹۰۰۰ کرون تقلیل می‌یابد.

قابل ذکر است که میزان درآمد خالص سالیانه که در جدول آمده، مربوط به کسانی است که یا مجرد هستند و یا دارای همسر شاغل بدون فرزند می‌باشند، و کسوراتی چون هزینه مسافرت، بهره وام و یا غیره از آنها کسر نمی‌شود.

که یک کارگر با درآمد سالیانه ۱۱۰۴۰۰ کرون، معادل ۳۹۴۰۰ کرون آنرا بابت مالیات پرداخت می‌کند (۳۵/۶ درصد) و درآمد خالص وی پس از کسر مالیات ۷۱۰۰۰ کرون می‌باشد، در حالیکه یک مهندس کارخانه با درآمد سالیانه ۲۴۰۰۰۰ کرون، ۵۱/۴ درصد یعنی معادل ۱۲۳۵۰۰ کرون آنرا بابت مالیات پرداخت می‌کند^۱ (ارقام مربوط به سال ۱۹۸۶ است).
همانگونه که (در جدول ذیل) مشاهده می‌گردد— مالیات بر درآمد در سوئد بشدت

درآمد متوسط در مشاغل مختلف (۱۹۸۶) (کرون، سالانه)

درآمد ناخالص	درآمد خالص از کسر مالیات	درصد مالیات	
۹۲۸۰۰	۶۲۸۰۰	۳۳/۷	خیاط
۱۰۰۰۰۰	۶۵۰۰۰	۳۵	کارمند ساده (بخش عمومی)
۱۱۰۰۰۰	۷۰۵۰۰	۳۵/۹	جوشکار (ماهر)
۱۱۶۸۰۰	۷۳۵۰۰	۳۷	پرستار
۱۳۵۰۰۰	۸۲۳۰۰	۳۹	دبیر دبیرستان
۱۳۵۷۰۰	۸۲۴۰۰	۳۹/۲	کارمند دفتری (متوسط)
۱۳۷۰۰۰	۸۳۵۰۰	۳۹	برقکار (ماهر)
۲۰۰۰۰۰	۱۰۵۸۰۰	۴۷/۱	استاد دانشگاه
۲۴۰۰۰۰	۱۱۶۵۰۰	۵۱/۴	مهندس کارخانه
۳۰۰۰۰۰	۱۳۱۸۰۰	۵۶	بزرگ

مأخذ: The Swedish Economy, *op. cit.*

1): The Swedish Economy, *op. cit.*, p. 26.



ویژگیهای اصلی بودجه دولت:

طی سالهای پس از جنگ جهانی دوم فعالیتهای بخش عمومی در سوئد گسترش سریعی یافت و به سرعت بصورت بخش مهمی از اقتصاد ملی این کشور درآمد. این رشد تنها محدود به فعالیتهای دولت مرکزی نبوده، بلکه نتیجه کمک و تأثیری است که بخش عمومی بر سایر بخشها و فعالیتهای اقتصادی دارد. در واقع بخش عمومی در سوئد در برگیرنده کلیه فعالیتهایی است که در چهارچوب فعالیتها و تعهدات بخش خصوصی قرار نمی‌گیرد؛ فعالیتهایی که صرفنظر از ماهیت آنها، تحت مالکیت و تأمین مالی بخش عمومی می‌باشند. از این رو بخش عمومی در سوئد به سه بخش دولت مرکزی، دولت‌های محلی و تأمین اجتماعی تقسیم می‌گردد.

فعالیت‌های دولت مرکزی با برخی استثنائات در چهارچوب بودجه محدود می‌شود. تأمین اجتماعی نیز شامل صندوق ملی بیمه بازنشستگی، بیمه درمانی و بیمه بیکاری است.^۱ دولتهای محلی نیز، شهرداریها، شوراهای شهرها و بخشها را در برمی‌گیرد. از این رو درآمدهای بخش

عمومی به نحو متعادل بین سه بخش فوق‌الذکر توزیع مجدد می‌گردد. بطور مثال، دولت مرکزی کمک‌هایی به دولتهای محلی و سیستم بیمه درمانی ارائه می‌نماید.^۲ بودجه در سوئد نیز همچون سایر کشورها از دو بخش درآمدها و هزینه‌ها تشکیل شده است. بخش درآمدهای بودجه، نشانگر درآمدهای دولت میباشد که از منابعی چون مالیاتها، درآمد حاصل از فعالیتهای دولت مرکزی (شرکتهای دولتی)، درآمد حاصل از فروش دارایی‌ها، دریافتیهای حاصله از وام‌ها و سایر درآمدها تأمین می‌گردد. هزینه‌ها نیز تحت شانزده عنوان اصلی جای می‌گیرند. دوازده عنوان برای هریک از وزارتخانه‌ها و چهار عنوان دیگر، خانواده سلطنتی و اقامتگاههای آنها، پارلمان و سازمانهای وابسته، بهره قروض ملی و هزینه‌های پیش‌بینی نشده را در برمی‌گیرد.^۳

کسری بودجه:



پس از اولین بحران نفتی در سال ۱۹۷۳ که منجر به بحران اقتصاد جهانی گردید، سوئد به منظور حفظ سطح بالای اشتغال، یک سیاست مالی انبساطی اتخاذ نمود. این

(۱): جهت آشنایی بیشتر با سیستم تأمین اجتماعی سوئد به شماره قبل ماهنامه مراجعه شود.

2): Ministry of Finance, *The 1987 Medium Term Survey of the Swedish Economy*

(Stockholm: 1987) p. 132.

3): The Swedish Budget, 1986/87, p. 49.

سیاست باعث افزایش کسری بودجه بخش عمومی و همچنین حساب جاری گردید و سبب شد تا دولت جهت عرضه سطح متناسبی از نقدینگی، هم از سیستم بانکی و هم از خارج وام دریافت دارد. بعنوان یک اقدام متقابل، سیاستهای پولی و اعتباری انقباضی به مورد اجرا گذارده شد، لکن افزایش رشد اعتبارات در بازارهای کنترل-نشده پولی باعث تقلیل کارایی سیاستهای تحت کنترل بانک مرکزی سوئد (Riks Bank) گردید. بنابراین کسری بودجه از اواخر دهه ۱۹۷۰ تا سال مالی ۸۴/۱۹۸۳ همچنان به سیر صعودی خود ادامه میداد، بطوریکه در سال مالی ۸۳/۱۹۸۲ به اوج خود (۸۶ میلیارد کرون) بالغ گردید. این مسئله آشکار ساخته بود که اقتصاد سوئد برای تأمین کسری بودجه، فاقد ابزارهای متکی به اقتصاد بازار می باشد. تا آن زمان کسری بودجه عمدتاً از طریق بانکها، موسسات بیمه و رهنی که نسبت به سرمایه گذاری در اوراق بهادار دولتی تعهدات قانونی داشتند، تأمین می گردید. در سال ۱۹۸۲، بانک مرکزی از طریق نشر اوراق تنزیل خزانه داری جهت تأمین مالی نیازهای استقراضی دولت و نیز ایجاد یک بازار جهت گواهیهای* دولتهای محلی در سال ۱۹۸۳، شروع به حذف مقررات

(Deregulation) بازارهای مالی نمود. توسعه بازارهای پولی به لحاظ تأمین کسری بودجه دولت، علاوه بر ایجاد ابزارهای جدید استقراضی، بدان معنا بود که سیاست اعتباری دولت نقش سنتی خود را بعنوان ابزاری برای مدیریت تقاضا از دست داده است!

از اواسط دهه ۱۹۸۰ با کاهش کسری بودجه، نیازهای استقراضی دولت و نیز قروض ملی کاهش یافته است. همانگونه که قبلاً عنوان گردید، کسری بودجه دولت که از سال ۱۹۷۷ رو به افزایش بود در سال ۱۹۸۲ به اوج خود رسید و پس از آن طی سالهای ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴ بترتیب به ۵۳ میلیارد کرون و ۴۲ میلیارد کرون کاهش یافت. البته مجدداً کسری بودجه در سال ۱۹۸۵ افزایش یافت و به ۵۰/۱ میلیارد کرون رسید. لکن طی سالهای ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ کسری بودجه دولت مرکزی نه تنها کاهش یافت (۲۴/۷ میلیارد کرون در سال ۱۹۸۶) بلکه در سال ۱۹۸۷ با مازاد ۱۷/۵ میلیارد کرون نیز مواجه گردید. در مقابل کسری بودجه دولتهای محلی از سال ۱۹۸۵ همچنان افزایش یافت بطوریکه در سال ۱۹۸۸ به ۱۰/۷ میلیارد کرون رسید. از سوی دیگر مازاد بودجه بخش تأمین اجتماعی در سال ۱۹۸۸ به ۲۷/۶ میلیارد کرون بالغ

* Certificates): منظور گواهیهای سپرده‌هایی است که دولتهای محلی نزد سیستم بانکی دارند.

1): EIU, *op. cit.*, p. 24.

سیاست دولت جهت کاهش حمایت از بخش کشاورزی که در نتیجه قیمت شیر هر لیتر ۱۹ اور (Öre) افزایش مییابد.

۵- افزایش تعداد مامورین انتظامی.

۶- افزایش منابع به منظور کمک به آوارگان و پناهندگان در جهت یافتن شغل در سوئد و نیز کاهش مدتی که برای اقامت و کار باید صرف نمایند.

۷- اختصاص دادن مبلغ ۲۰۰ میلیون کرون به منظور ایجاد هماهنگی اقتصادی بین سوئد و جامعه اقتصادی اروپا در جهت تحقق وحدت این قاره تا سال ۱۹۹۲.^۳

ترکیب درآمدهای دولت:



تأمین مالی جامعه مرفه و پیشرفته‌ای چون سوئد که بخش عمومی در آن بیش از ۳۰ درصد منابع را (تولید ناخالص ملی را) به خود اختصاص داده، باعث گردیده است که این کشور دارای یکی از بالاترین نرخهای مالیات در جهان باشد، بطوریکه میزان مالیاتها در سوئد در سال ۱۹۸۸، معادل ۵۵/۵ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور بوده است.^۴ در بین کشورهای عضو

گردید که دقیقاً با رشد سرمایه در صندوقهای ملی بیمه بازنشستگی که تا پایان سال ۱۹۸۸ به ۳۱۵ میلیارد کرون رسید، مطابقت داشت. بطور کلی مازاد بودجه بخش عمومی در سال ۱۹۸۸ حدود ۳۵ میلیارد کرون بود.^۱

بودجه سال ۱۹۸۹ - ۹۰: سال مالی در سوئد از اول ژوئیه تا سی ام ژوئن میباشد. بودجه سال جاری سوئد نیز مطابق هر ساله در ژانویه سال ۱۹۸۹ تقدیم پارلمان گردید. این بودجه دارای ویژگیهایی بود که ذیلاً به موارد مهم آن اشاره می‌گردد:

۱- افزایش مقرریهای والدین (جهت نگهداری از فرزندان خود در خانه) که قرار است از ۱۲ ماه به ۱۸ ماه در سال ۱۹۹۱ افزایش یابد.

۲- کاهش نرخهای مالیات به میزان ۳ درصد برای درآمدهای بالای ۸۵۰۰۰ کرون (سالانه) بعنوان بخشی از اصلاح عمومی مالیاتها.

۳- افزایش کمکهای رسمی عمرانی (ODA) ^۲ از ۱/۳۱ میلیارد کرون به ۲/۶۶ میلیارد کرون که بدین ترتیب سطح این کمکها به یک درصد تولید ناخالص ملی می‌رسد.

۴- کاهش سوبسید شیر در راستای

1): *Ibid*, p. 25.

2): Official Development Assistance.

3): The Swedish Engineers, press Ltd, *Sweden Now, The International Business Magazine*, No 1 1988. (stock holm: 1989) p. 6.

4): The 1987 Medium Term Survey, *op. cit*, p. 44.

(OECD). چهار کشور نروژ، دانمارک، هلند و سوئد هم از نظر میزان مالیاتها و هم از نقطه نظر تأمین اجتماعی، عمده ترین کشورها به شمار می روند ضمن اینکه در بین آنها، سوئد از این بابت مقام اول را حائز می باشد. البته لازم به یادآوری است که بالا بودن نسبت مالیاتها به تولید ناخالص داخلی، متأثر از عوامل متعددی است که مستقیماً با بار مالیاتی که به هر یک از شهروندان تحمیل می شود، مرتبط نمی باشد. بطور مثال، انتقال درآمدها در قالب توزیع مجدد به خانوارها — که مشمول مالیات است و در سوئد بسیار گسترده تر از سایر کشورها می باشد — بدون متأثر ساختن کل بار مالیاتی، درآمدهای مالیاتی را افزایش می دهند. از سوی دیگر افزایش مالیاتها در سوئد به میزان زیادی متأثر از افزایش شدید در دستمزدها بوده است، بطوریکه بخش عمده افزایش مالیاتها در وهله نخست به واسطه افزایش دستمزدها بوده و کمتر از رشد تولید ناخالص داخلی (که ناچیز هم بوده) متأثر گردیده است. هنگامی که دستمزدها نسبت به تولید ناخالص داخلی افزایش می یابند، نسبت مالیاتها نیز بدون اینکه نرخ مالیاتی تغییریری کرده باشد، افزایش می یابند. البته با در نظر گرفتن این ملاحظات هم، سهم مالیاتها در سوئد همچنان بالاست. گسترده شدن مسئله فرار از پرداخت مالیات خود نشان می دهد که مالیاتها از نظر مردم این کشور از یک سطح منطقی برخوردار نیست.

سیستم مالیاتی در سوئد وظایف متعددی را علاوه بر تأمین هزینه های بخش عمومی و متعادل کردن توزیع درآمد و ثروت عهده دار می باشد. همچنین این سیستم در جهت تشویق فعالیت های مولد و نیز عدم تشویق رفتارهای سوداگرانه و مصرفی که برقرض گرفتن استوار می باشد، عمل می کند. سیستم مالیاتی در سوئد، در سیاست ثبات اقتصادی این کشور نیز نقش مهمی برعهده دارد.

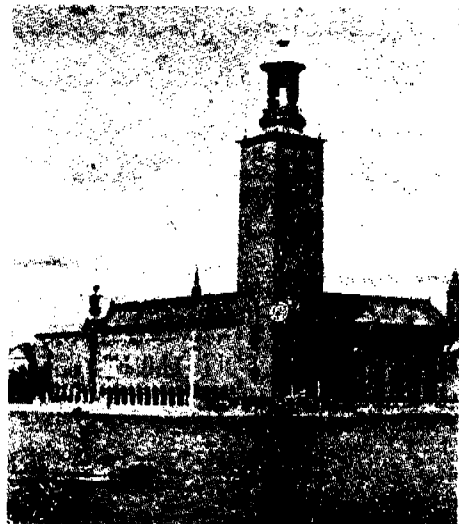
اصلاح نظام مالیاتی:



دولت سوئد دموکرات سوئد قصد دارد که در اوائل دهه ۱۹۹۰، اصلاحات گسترده ای را در نظام مالیاتی این کشور صورت دهد. از جمله اصلاحات عمده و بنیادی، معافیت حدود ۹۰ درصد از مردم از پرداخت مالیات ملی بر درآمد خواهد بود، که در واقع کلیه کسانی که سالانه درآمدی کمتر از ۱۶۰۰۰۰ کرون دارند، از پرداخت مالیات فوق معاف می باشند و بدین ترتیب اکثر سوئدیها تنها ۳۰ درصد مالیات محلی پرداخت خواهند کرد و نرخ نهایی مالیات بر درآمد نیز از ۷۲ درصد به ۶۰ درصد و احتمالاً کمتر کاهش خواهد یافت. از سوی دیگر دولت قصد دارد که نرخ مالیات بر درآمد شرکتها را از ۵۸ درصد به ۳۰ درصد کاهش داده و از طرف دیگر راههای فرار از پرداخت مالیات — که در سوئد گسترده می باشد — را نیز مسدود نماید.

رسیده تا با سودآور کردن فعالیتهای و نیز تشویق پس اندازها، زمینه رشد بیشتر اقتصادی را فراهم آورد. بسیاری از سوئدیها تمایل به کار کردن بیشتر دارند، لکن بخش عمده‌ای از پول بیشتری را که بدست می‌آورند، از طریق مالیاتها جذب می‌شود.^۲

در سال مالی ۸۸/۱۹۸۷ کل مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم بترتیب ۳۸ و ۲۵ درصد از درآمدهای دولت را تشکیل می‌دادند.^۳



کشاورزی:



بخش کشاورزی در سوئد نسبت به سایر بخشهای اقتصادی از اهمیت و گستردگی کمتری برخوردار میباشد. سهم این بخش در تولید ناخالص داخلی - بااستثنای جنگلداری و ماهیگیری - در سال ۱۹۸۶، تنها ۱/۹ درصد بوده است. همچنین نسبت نیروی کار شاغل* در این بخش (شامل ماهیگیری و جنگلداری) به کل نیروی کار سوئد، در سال ۱۹۸۷، ۳/۹ درصد بوده که نسبت به ۳۰ درصد در سال ۱۹۴۰، کاهش قابل

از دیگر ویژگیهای اصلاحات مزبور، متوقف ساختن معافیت‌های مالیاتی برای وام گیرندگان است به نحوی که آنها را تشویق به پس انداز نماید.^۱ پیش بینی می‌شود که این کاهش مالیاتها، هزینه‌ای حدود ۶۰ میلیارد کرون برای دولت سوئد بدنبال داشته باشد که برنامه‌ریزی شده تا این هزینه‌ها از طریق تعمیم مالیات بر ارزش افزوده (VAT) در مورد کالاهایی چون روزنامه‌ها، صورتحسابهای تلفن، خدمات مالی و سرگرمیها، جبران گردد. وزیر دارایی سوئد در این رابطه عقیده دارد که زمان آن فرا

(۱): از آنجا که وجود معافیت‌های مالیاتی در زمینه پرداخت بهره برای وام گیرندگان، افزایش مصرف خصوصی را بدنبال داشته است، لذا متوقف کردن این معافیتها کاهش میل به دریافت وام و مصرف و متعاقباً افزایش پس اندازها را بدنبال دارد.

2): Sweden Now, *op. cit.*, p. 7.

3): EIU, *op. cit.*, p. 25.

©: قابل ذکر است که حدود نیمی از کشاورزان بصورت نیمه وقت در مزارع خود فعالیت می‌کنند.

توجهی را نشان می‌دهد.^۱

رضایت‌بخش مواد غذایی برای مصرف کنندگان با کیفیت بسیار بالا و در سطح قیمتهای قابل قبول. بخش کشاورزی از جمله بخشهایی است که کاملاً مورد حمایت دولت بوده و این کشور سالهاست که به کمک قیمتهای حمایتی و پرداخت سوبسید و نیز تثبیت قیمت برخی از مواد غذایی اساسی، از این بخش و بویژه کشاورزان حمایت کرده است. در سال مالی ۱۹۸۶/۸۷ معادل ۳۶۹۵ میلیون کرون (۵۶/۲ درصد از کل بودجه اختصاص یافته به بخش کشاورزی) جهت حمایت از قیمت محصولات کشاورزی اختصاص یافته بود.^۲



محصولات عمده:

محصولات عمده کشاورزی سوئد، گندم، جو، چاودار، جو دوسر، سیب‌زمینی، چغندر قند و دانه‌های روغنی می‌باشد. همچنین محصولات دامی این کشور را نیز شیر، تخم مرغ، گوشت ماکیان و گوشت گاو و گوسفند و خوک تشکیل می‌دهد. قابل ذکر است که در بین محصولات زراعی و دامی سوئد، تنها شیر است که از سوبسید دولتی برخوردار بوده که مستقیماً از بودجه تأمین می‌گردد. در سال ۱۹۸۷ تعداد کل گاوهای سوئد،

با این حال هدف عمده سیاست کشاورزی سوئد، تأمین ۸۰ درصد از نیازهای غذایی کشور از طریق تولیدات داخلی میباشد (درصد خود کفایی) که امروزه این هدف تحقق یافته است. سوئد با اینکه از نظر وسعت چهارمین کشور بزرگ اروپا است، لکن تنها ۱۰ درصد از زمینهای قابل کشت می‌باشد. وسعت زمینهای زیر کشت این کشور در سال ۱۹۸۷، حدود ۲/۹ میلیون هکتار بوده که ۱۲۰۰۰ مزرعه (واحد بهره‌برداری) را شامل می‌گردیده است. از این میزان زمین زیر کشت ۳۱ درصد را زمینهای کمتر از سی هکتار، ۲۰ درصد بین سی تا پنجاه هکتار، ۲۶ درصد بین پنجاه و یک تا یکصد هکتار و ۲۲ درصد را زمینهای بالای یکصد هکتار تشکیل می‌دهند.^۳ زمینهای قابل کشت سوئد در قسمت‌های جنوبی و مرکزی این کشور قرار دارند و تنها ۲ درصد در بخش شمالی کشور واقع شده است. در سال ۱۹۸۵، پارلمان سوئد اهدافی را برای بخش کشاورزی این کشور تعیین نمود که رئوس عمده آن بدین قرار میباشد. استفاده عقلایی از منابع طبیعی کشور برای تولیدات کشاورزی، برخوردار کردن کشاورزان از استانداردهای رفاهی متناسب با سایر بخشهای اقتصادی و تأمین متناسب و

1): EIU, *op. cit.*, p. 14.

3): The Swedish Budget, *op. cit.*, p. 112.

2): *Ibid.*, p. 24.

میزان تولید محصولات عمده زراعی

(هزارتن)

محصولات زراعی	۱۹۸۰	۱۹۸۳	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۶	۱۹۸۷
کندم	۱۱۹۳	۱۷۲۱	۱۷۷۶	۱۳۳۸	۱۷۳۰	۱۵۵۸
جاودار	۲۲۳	۲۳۵	۲۲۷	۱۵۷	۱۵۴	۱۳۷
جو	۲۱۷۲	۲۰۲۶	۲۷۳۳	۲۳۰۹	۲۲۲۷	۱۹۰۷
جودوسر	۱۵۶۷	۱۲۶۹	۱۹۰۴	۱۶۶۸	۱۴۸۶	۱۴۴۰
سب زمینی	۱۰۸۴	۹۳۲	۱۳۰۷	۱۲۶۶	۱۲۰۷	۹۵۸
جفندقند	۲۲۵۷	۱۹۲۲	۲۵۰۸	۲۱۵۶	۲۱۸۷	۱۶۹۷
دانه‌های روغنی	۲۰۶	۲۶۶	۲۶۰	۲۵۹	۲۰۷	۲۰۶

میزان تولید محصولات عمده دامی

شیر شامل :	۳۴۶۵	۳۷۱۴	۳۷۷۲	۴۶۷۵	۳۵۱۵	۳۴۶۱
کره	۶۶	۷۳	۷۸	۷۵	۶۸	۶۶
پنیر	۱۰۱	۱۱۵	۱۱۶	۱۱۵	۱۱۳	۱۱۴
تخم‌مرغ و ماکیان	۱۵۸	۱۷۱	۱۷۱	۱۷۱	۱۶۸	۱۶۶
گوشت شامل :	۴۸۲	۴۸۷	۴۸۶	۴۹۷	۴۶۴	۴۳۰
گوشت خوک	۳۱۷	۳۱۸	۳۲۳	۳۳۲	۳۰۹	۲۸۸

مأخذ: EIU, Op. cit, p. 14.

وجود داشته است. از دیگر فعالیتهایی که به بخش کشاورزی سوئد مربوط می‌شود، پرورش گوزن شمالی (Reindeer) است. در سال ۱۹۸۶ تعداد ۸۰۰ موسسه پرورش گوزن،

۱/۷ میلیون رأس بوده که از این تعداد، ۵۷۶۰۰۰ رأس را گاوهای شیرده تشکیل می‌دادند. همچنین در این سال ۳۹۷۰۰۰ رأس گوسفند، ۲/۲ میلیون رأس خوک^۱ و ۱۰/۸ میلیون قطعه انواع ماکیان در این کشور

1): EIU, op. cit, p.14.

حدود ۲۵۰۰ شاغل (Sami) در سوئد فعالیت داشتند. این رشته از فعالیت کشاورزی نیز مورد حمایت دولت می‌باشد و همه ساله بودجه خاصی به پرورش دهندگان گوزن شمالی اختصاص می‌یابد. در سال ۸۷/۱۹۸۶ این بودجه تخصیصی معادل ۲۹ میلیون کرون بوده است.^۱

در چداول صفحه بعد میزان تولید محصولات عمده زراعی و دامی منعکس شده است.



جنگلداری:

۵۸ درصد از سرزمین سوئد، پوشیده از جنگل می‌باشد که این میزان معادل ۲۳/۸

میلیون هکتار است. رشد متوسط سالانه درختان جنگلی در سوئد طی سالهای ۱۹۸۱-۸۵ حدود ۹۱/۲ میلیارد مترمکعب برآورد شده است. همچنین طی سالهای ۱۹۸۲-۸۶ رشد متوسط برداشت چوب از جنگل‌ها معادل ۶۱ درصد از رشد سالانه درختان بوده است. که از این میزان (درختان قطع شده) ۴۸ درصد را درختان صنوبر، ۳۲ درصد را کاج و ۱۴ درصد را درختان غان (birch) تشکیل می‌دادند. در سال ۱۹۸۶، ۲۷ درصد از زمینهای جنگلی در مالکیت دولت، ۲۳ درصد در اختیار شرکتهای سهامی و ۵۰ درصد دیگر در مالکیت افراد بوده است که نیمی از این افراد در قالب تعاونیها شکل یافته بودند.^۲ جنگلداری در سوئد سابقه‌ای

(میلیون مترمکعب، بدون پوست)

میزان تولید انواع چوبها

۱۹۸۶/۸۷	۱۹۸۵/۸۶	۱۹۸۴/۸۵	۱۹۸۳/۸۲	۱۹۸۲/۸۱	۱۹۷۹/۸	
۲۲/۴	۲۲/۵	۲۲/۷	۲۳/۸	۲۴/۶	۲۱/۸	چوب گردار هنده
۲۶/۳	۲۵/۴	۲۴/۱	۲۴/۱	۲۴	۲۲	خمیر چوب
۳/۱	۳/۱	۳	۲/۹	۲/۷	۲	چوب برای سوخت
۰/۹	۰/۹	۰/۹	۰/۹	۰/۹	۰/۹	سارچوبها
۵۲/۷	۵۱/۹	۵۰/۷	۵۱/۷	۵۲/۲	۴۶/۷	جمع

مأخذ: EIU, Op. cit, p. 17.

از آنجا که تنها آمار درختان قطع شده بخش دولتی بصورت منظم منتشر می‌شود، آمار فوق تخمینی می‌باشد.

1): The Swedish Budget 1986/87, p. 108.

2): EIU, op. cit, p. 15.

ماهگیری:



میزان ماهی صید شده (از آبهای عمیق) در دهه ۱۹۷۰ کمتر از دهه ۱۹۶۰ بوده، و در اوائل دهه ۱۹۸۰ نیز سیر نزولی داشته است. تعداد ماهیگیران حرفه‌ای از حدود ۷۸۹۰ نفر در سال ۱۹۶۶ به ۳۶۰۰ نفر در سال ۱۹۸۶ کاهش یافته است. همچنین در سال ۱۹۸۵ تعداد قایق‌های ماهیگیری بیش از ۱۲ متر، ۵۲۶ فروند بوده است. در سال ۱۹۸۴ ارزش ماهی صید شده در سوئد، ۷۰۰ میلیون کرون بوده که به این میزان، خرچنگ‌های دریایی صید شده (برای مصرف) که ارزش آنها حدود ۵۰ میلیون کرون بوده را نیز باید افزود. علاوه بر تعداد ماهیگیران حرفه‌ای فوق‌الذکر حدود ۲۰۰۰ نفر نیز بطور موقت و بعنوان شغل دوم به این امر اشتغال دارند.

بس طولانی داشته، بطوریکه این بخش اقتصادی از جمله بخشهایی بوده که در مراحل رشد و توسعه اقتصادی سوئد، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. در حال حاضر صنایع چوب و کاغذ سوئد، از جمله پیشرفته‌ترین صنایع در جهان به شمار می‌رود. با اینکه سوئد تنها کمتر از یک درصد از کل منابع جنگلی جهان را در اختیار دارد، با اینحال حدود ۱۷ درصد از صادرات جهانی خمیر چوب، ۱۴ درصد از صادرات کاغذ و ۱۲ درصد از صادرات الوار ااره شده درختان سوزنی‌برگ در سال ۱۹۸۰ متعلق به این کشور بوده است.^۱ در سال ۱۹۸۶/۸۷ کل بودجه تخصیصی به این بخش معادل ۵۸۹ میلیون کرون بوده که این میزان حدود ۹ درصد از کل بودجه بخش کشاورزی را تشکیل می‌داده است.^۲

(هزارتن)

میزان ماهی صید شده

۱۹۸۷	۱۹۸۶	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳	۱۹۸۰	
۱۹۷/۳	۲۰۱	۲۲۵/۹	۲۵۹/۳	۲۲۸/۲	۲۲۵/۳	کل
۴۵/۸	۴۴/۲	۵۲	۵۹/۵	۵۱/۵	-	ماهی روغنی (Cod)
۶۶/۵	۸۷/۷	۱۰۳/۱	۱۲۰/۹	۱۲۹/۸	۱۳۱/۷	نارماهی
۶۳/۳	۴۹/۸	۵۱/۱	۶۱/۶	۵۰/۵	-	ماهی صنعتی

مأخذ: EIU, Op. cit, p. 17.

1) *Ibid*, p. 16.

2) The Swedish Budget 1986/87, *op. cit*, p. 107.